



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

موضوع جزئی: موجبات جنابت - جماع

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲۴ آذر ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۲

جلسه: ۴۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

سخن در موجبات جنابت بود. عرض شد که یکی از موجبات جنابت، جماع است. همچنین، عرض شد که بحث مذکور از چند جهت مورد بررسی قرار گرفته است؛ جهت اول این بود که جماع بنفسه موجب غسل می شود، هر چند انزالی صورت نگیرد. جهت دوم، این بود که اگر ما بودیم و روایات صحاحی که در رابطه با وجوب غسل به خاطر اذخال و ایلاج وارد شده اند، باید گفته می شد که غسل جنابت یا به مطلق اذخال و ایلاج واجب می شود، هر چند که اذخال و ایلاج کمتر از مقدار حشفه باشد یا به خصوص اذخال متعارف واجب می شود. همچنین، عرض شد که مقتضای روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع و امثال آن، این است که غسل جنابت به واسطه دخول به مقدار حشفه واجب می شود و به دخول کمتر از آن واجب نمی شود، کما اینکه دخول بیش از مقدار حشفه نیز در تحقق غسل جنابت دخالتی ندارد.

جهت سوم، این است که اگر حشفه شخص قطع شده باشد، اگر از حشفه اش مقداری باقی مانده باشد و به نحوی باشد که بر آن باقیمانده، صدق کند که گفته شود که حشفه را داخل کرده است، در این صورت اشکالی ندارد که گفته شود با دخول باقیمانده حشفه، جنابت محقق و غسل واجب می شود، ولی اگر تمام حشفه قطع شده باشد، چند وجه محتمل است؛ **احتمال اول**، این است که جنابت و وجوب غسل، هر آینه با اذخال به مقدار حشفه محقق می شود و دخول نفس حشفه ملاک نیست، بنابراین، اگر حشفه بریده شده باشد و از باقیمانده آلت، به اندازه حشفه در فرج زن داخل شود، جنابت محقق و غسل واجب می شود و مقدار حشفه نیز در مقایسه با حشفه خود آن شخص ملاحظه می شود.

این احتمال به مشهور، نسبت داده شده است و با آنچه مرحوم سید (ره) فرموده است، سازگار است.

اشکال به احتمال اول

گفته شده است که این احتمال پذیرفته نیست چون در اخباری که در رابطه با وجوب اغتسال وارد شده اند کلمه «غیوبه الحشفه» آمده است و کلمه «غیوبه مقدار الحشفه» نیامده است. بنابراین، اذخال خود حشفه ملاک برای حکم به جنابت و غسل جنابت است و حمل روایات بر اذخال مقدار حشفه خلاف ظاهر اخبار است.

ممکن است که گفته شود که این فرض با آنچه در رابطه با شخص مسافر وارد شده است، مقایسه می شود، یعنی در رابطه با شخص مسافر تعبیری به کار رفته است که از آن تعبیر به بحث مورد نظر نیز تعدی می شود.

در رابطه با مسافر آمده است که اگر انسان نیت کند که مسافرت شرعی [که چهار فرسخ است] برود، در صورتی که از شهر فاصله بگیرد [تا حدی که دیوار شهر را نبیند]، واجب است که نمازش را شکسته بخواند.

محقق همدانی (ره) فرموده است که از تعبیری که در رابطه با مسافر آمده است [که در صورت فاصله گرفتن از شهر تا حدی که دیوار شهر دیده نشود]، استفاده می‌شود که وجوب قصر، مشروط به دوری [به مقداری که دیوار شهر دیده نشود] از شهری است که مسافرت از آنجا شروع می‌شود و به تعبیر روشن‌تر، دیده نشدن دیوار شهر، موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد، یعنی اگر شخص به اندازه‌ای که دیوار شهر دیده نمی‌شود از شهر فاصله بگیرد باید نمازش را شکسته بخواند، هرچند که دیواری وجود نداشته باشد.

بنابراین، اینکه وجوب شکسته خواندن نماز بر دور شدن از شهر به اندازه‌ای که دیوار شهر دیده نشود، متوقف شده است حاکی از این است که خود دیده نشدن دیوار، موضوعیت ندارد، بلکه آن مسافتی که از آن مسافت دیوار شهر دیده نمی‌شود مورد نظر است لذا اگر دیواری در کار نباشد و شخص به اندازه‌ای از شهر فاصله بگیرد که اگر دیواری بود، دیوار شهر دیده نمی‌شد، در این صورت باید نمازش را شکسته بخواند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که مرحوم محقق همدانی (ره) فرموده است که از این تعبیر، به حسب متفاهم عرفی فهمیده می‌شود که وجوب قصر مشروط به فاصله مشخصی از شهر است که از آن فاصله دیوار شهر دیده نمی‌شود، حال چه دیواری وجود داشته باشد و چه دیواری وجود نداشته باشد و ایشان بین بحث مورد نظر که آیا ادخال الحشفه موجب تحقق جنابت و وجوب غسل جنابت می‌شود یا ادخال به مقدار حشفه [در رابطه با کسی که حشفه او قطع شده است] نیز موجب حصول جنابت و وجوب غسل جنابت می‌شود و بحث خفاء جدران [دیده نشدن دیوار شهر] در رابطه با نماز مسافر، مقایسه کرده است و فرموده است که همان‌گونه که در نماز مسافر، صرف دور شدن به اندازه‌ای که دیوار شهر دیده نشود، موجب شکسته خواندن نماز می‌شود، چه دیواری وجود داشته باشد و چه دیواری وجود نداشته باشد، در بحث مورد نظر نیز مستفاد از اخبار وارد شده در رابطه با وجوب غسل جنابت با دخول حشفه، این است که ادخال به مقدار حشفه نیز موجب وجوب غسل جنابت می‌شود، بنابراین چه شخص حشفه را داخل کند یا اینکه اگر حشفه او قطع شده است، به مقدار حشفه را داخل کند، غسل جنابت بر او واجب می‌شود، پس همین که ادخال به اندازه حشفه صورت گیرد، جنابت محقق و به تبع آن غسل جنابت نیز واجب می‌شود.

اما در پاسخ از مرحوم محقق همدانی (ره) عرض می‌شود که مقایسه مذکور، صحیح نیست زیرا آنچه در رابطه با نماز مسافر آمده است که واجب است که شخص نمازش را شکسته بخواند، در صورتی است که شخص به حسب متفاهم عرفی به اندازه‌ای که دیوار شهر را نبیند، از شهر فاصله بگیرد که در این صورت، گفته می‌شود که این مقداری که شخص دور شده است همان مقداری است که در رابطه با خفاء جدران فرض شده است و این ظهور در اراده مقدار دارد، یعنی این تعبیر، خصوصیتی برای خفاء جدران نیست، اما از روایاتی که در رابطه با حصول جنابت با دخول حشفه وارد شده‌اند، نمی‌توان به دخول به مقدار حشفه تعدی کرد و گفت که کسی که حشفه‌اش بریده شده است، اگر به مقدار حشفه داخل کند، جُنُب می‌شود و غسل جنابت بر او واجب می‌شود زیرا روایاتی که تصریح دارند که غسل جنابت با ادخال حشفه واجب می‌شود، ادخال به مقدار حشفه را شامل نمی‌شوند بنابراین، تعدی از حشفه به مقدار حشفه، دلیل می‌خواهد و فرض این است که دلیلی بر این مطلب وجود ندارد. پس مقایسه بحث مورد نظر (دخول به مقدار حشفه) با بحث نماز مسافر صحیح نیست چون در نماز مسافر، ملاک برای شکسته خواندن نماز، دور شدن به مقداری است که دیوار شهر دیده نشود، پس دور شدن به آن مقدار موجب شکسته شدن نماز می‌شود، چه دیواری وجود داشته باشد و چه

دیواری وجود نداشته باشد، اما در مانحن فیه، روایات به این تصریح دارند که غسل جنابت با ادخال نفس حشفه واجب می‌شود، بنابراین ادخال به مقدار حشفه موجب جنابت و وجود غسل نمی‌شود و دلیلی بر تعدی از ادخال حشفه به مقدار حشفه وجود ندارد.

احتمال دوم، این است که گفته شود که کسی که حشفه‌اش قطع شده است با جماع، غسل بر او واجب نمی‌شود و غسل جنابت در حق چنین شخصی فقط با انزال واجب می‌شود چون وجوب غسل به وسیله جماع، مقید به دخول حشفه است و فرض این است که شخص مورد نظر، حشفه ندارد، بنابراین، با جماع، غسل بر او واجب نمی‌شود، مگر اینکه انزال صورت گیرد که در این صورت غسل به واسطه انزالی که صورت گرفته است، واجب می‌شود.

اشکال بر احتمال مذکور

احتمال مذکور نیز مورد اشکال واقع شده است و آن، اینکه اخبار وارد شده، مبنی بر اینکه ادخال و ایلاج، موجب وجوب غسل جنابت می‌شود، مطلق‌اند و مقتضای اطلاق این اخبار ایجاب می‌کند که به وجوب غسل جنابت به وسیله ادخال بر شخصی که حشفه‌اش قطع شده است و به مقدار حشفه داخل کرده است، حکم شود. این قول منسوب به صاحب مدارک (ره) است.^۱

پاسخ از اشکال مذکور

پاسخ از اشکال مذکور، این است که مطلقاتی که وجود دارند در رابطه با غیوبه حشفه وارد شده‌اند. بلکه! اگر مطلقات وارده به غیوبه حشفه اختصاص نداشتند، تمسک به آن مطلقات، مبنی بر تحقق جنابت با دخول به مقدار حشفه صحیح بود، اما روایات مطلقه، به غیوبه حشفه مقید شده‌اند و مقیدات نیز از این جهت مطلق‌اند چون به واجد حشفه اختصاص ندارند، بلکه هم شامل کسی می‌شوند که حشفه دارد و هم کسی را که حشفه ندارد شامل می‌شوند و مقتضای اطلاق این مقیدات، این است که غسل به وسیله جماع بر مقطوع الحشفه و غیر مقطوع الحشفه، اگر حشفه غیوبت پیدا کند، واجب می‌شود و چون جماع با غیوبت حشفه در حق مقطوع الحشفه محقق نمی‌شود، پس با جماع، غسل بر او واجب نمی‌شود. پس مطلقات وارد شده، به غیوبه حشفه مقید شده‌اند و غیوبه حشفه در حق مقطوع الحشفه محقق نمی‌شود، پس مقطوع الحشفه با جماع، جنب نمی‌شود، مگر اینکه انزالی صورت گیرد که در این صورت وجوب غسل به واسطه انزال است و به واسطه جماع نیست، مگر اینکه گفته شود که وجوب غسل بر مقطوع الحشفه به وسیله جماع در مظان اجماع است که در این صورت جماع مقطوع الحشفه نیز موجب وجوب غسل خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. محمد بن علی، موسوی عاملی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۲۷۲.